



دارنده مقام آسیا در رشته بسکتبال معلولان
حالا الگوی توانیابان زیادی شده است

سرم شکست اما شدم «فؤاد بسکتبالی»

۶



عکس: نرجس شاکری/شهر آرا

بانوی نیکوکار محله لادن، برای بسیاری از
دخترخانم‌های دم‌بخت، پشت‌گرمی بوده است

تشریفات عروسی
عصمت بانو

۵۴



اهالی محله آب‌وبرق از تأخیر

۲ در بهسازی زمین ورزشی روباز بولوار حافظ گلایه دارند
در انتظار روپا شدن دوباره زمین

کوثر قرایی، ملی‌پوش دوومیدانی، به تازگی

۷ ۲ مدال ارزشمند در مسابقات پارامچ‌اندازی کسب کرده است
طلای آسیا، هدیه به مادر



اهالی محله آب و برق از تأخیر در بهسازی زمین ورزشی روباز بولوار حافظ گلایه دارند

در انتظار روپاشدن دوباره زمین

رضاریان استفاده از زمین ورزشی روباز بولوار حافظ سال ها بخشی از تفریح و سرگرمی جوانان ورزشکار محله آب و برق بوده است، جایی برای بازی، تحرک و دورهمی های ساده محلی. این زمین که با فنس محصور شده است، شهریور امسال برای اصلاح و مرمت و اجرای چمن مصنوعی تخریب شد تا با ظاهری جدید دوباره مورد استفاده اهالی قرار بگیرد. اما حالا مدتی است که این فضا در میانه بازسازی متوقف شده است و به صورت زمینی رها شده و بدون کاربری مشخص دیده می شود؛ وضعیتی که توجه رهگذران و ساکنان اطراف را به سرنوشت این پروژه شهری جلب کرده است.



● نبود فنس ورزشی احساس می شود

برای بررسی بیشتر وضعیت این زمین ورزشی به میدان شهید میلانی در تقاطع بولوار حافظ و شهید صارمی می رویم و پای صحبت جواد صمدی می نشینیم. او که مدت ها با دوستانش از این فضای روباز برای ورزش و گذراندن اوقات فراغت استفاده می کرده است، حالا نبود آن را به خوبی احساس می کند.

جواد می گوید: من و بچه های محله در تابستان تقریباً هر روز اینجا جمع می شدیم و فوتبال بازی می کردیم. حتی افراد سن و سال دار محله از این فضا برای نرمش و ورزش صبحگاهی استفاده می کردند. این فنس ورزشی محیط امنی داشت و خیلی از خانواده ها با خیال راحت بچه هایشان را برای ورزش به اینجا می فرستادند.

به گفته جواد بعد از جمع شدن فنس و تخریب زمین، اهالی مجبور شده اند برای ورزش به بولوار هفت تیر بروند؛ الان بیشتر وقت ها، می رویم بوستان لاله، ولی آنجا خیلی شلوغ است و مواقع زیادی نوبت به بازی مانمی رسد؛ چون فضای ورزشی پارک کوچک است و جمعیتی که برای ورزش به آنجا می آیند، زیاد است.

او معتقد است این زمین ورزشی محلی، نقش مهمی در سبک زندگی اهالی داشته است و نبود آن برای اهالی یک خلأ محسوب می شود. نه فقط برای جوانان ورزشکار، بلکه برای همه سنین.

● اینجا انرژی بچه ها تخلیه می شد

نرجس ایزدی یکی دیگر از اهالی محله است که از دو سال گذشته، همراه فرزندانش از این زمین ورزشی استفاده می کرده. او از جای خالی این فضا برای تفریح کودکان می گوید؛ موضوعی که به گفته

او خیلی کم به آن توجه شده است.

ایزدی توضیح می دهد: بچه هایم را زیاد به این زمین می آوردم، هم امن بود و هم فضای مشخصی برای بازی داشتند. بچه ها با هم فوتبال بازی می کردند و انرژی آن ها تخلیه می شد.

به گفته این شهروند بعد از تخریب زمین، پیدا کردن جایگزین مناسب، برای تفریح کودکان سخت بوده است؛ بعضی وقت ها بچه ها را به بوستان خطی حاشیه بولوار صارمی می آورم اما آنجا بیشتر برای پیاده روی مناسب است و فضای شاد و پرتحرک زمین ورزشی را ندارد.

او ادامه می دهد: من ماشین ندارم و نمی توانم بچه ها را به پارک های دورتر ببرم و فعلاً بچه های من از داشتن محیط ورزشی سالم محروم هستند. به همین دلیل چند باری با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتم و از سرنوشت این زمین پرسیدم. هر بار گفته اند که برای بهسازی این زمین اقدام می شود، اما فعلاً که خبری نیست.

● برای زمین برنامه های خوبی داریم

برای پیگیری وضعیت این زمین ورزشی با معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۹ گفت و گو می کنیم. جواد کوهزاد در این باره به شهرآرامش می گوید: برنامه های خیلی خوبی برای این زمین ورزشی روباز داریم؛ بخشی از فنس های این زمین ورزشی تخریب شده بود و آسفالت آن هم وضعیت خوبی نداشت. به همین دلیل آسفالت نامناسب تخریب شد تا برای احداث چمن مصنوعی اقدام کنیم.

او در ادامه توضیح می دهد: برای بهسازی این مجموعه ورزشی، حدود ۲۵ میلیارد ریال هزینه برآورد شده است که پیگیر هستیم با تحقق بودجه آن، این مجموعه را تا اواخر سال آینده بهسازی کنیم.

در جلسه شورای اجتماعی محله شقایق یک مطرح شد

نام گذاری معابر به نام شهدای محله

ریاحی نشست اخیر شورای اجتماعی محله شقایق یک در مسجد امام علی (ع) برگزار شد. اعضا در این جلسه درباره موضوعات مختلف از جمله درخواست آسفالت معابر فرعی و پلاک گذاری منازل محله گفت و گو کردند. موضوع نام گذاری معابر محله به نام شهدای یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در جلسه بود که قرار شد کارگروه مربوطه این موضوع را پیگیری کند و با خانواده شهدای محله در این باره بحث و تبادل نظر شود.



جمع و جور کردن خرابی های طوفان اخیر

در پی وزش باد و شرایط جوی در هفته گذشته، تماس های متعددی از سوی شهروندان منطقه ۹ در خصوص سقوط درختان و شکستگی شاخه ها ثبت شد که با اقدام سریع و موقیع نیروهای خدمات شهری و پاکبانان، همه موارد در کوتاه ترین زمان ممکن رسیدگی شد. براساس آمار ثبت شده، در مدت ۲۴ ساعت، سیزده شاخه شکسته و یازده مورد سقوط درخت در منطقه گزارش شد که پاکبانان منطقه ۹ با حضور سریع در محل، برای جمع آوری، ایمن سازی معابر و رفع خطر برای شهروندان اقدام کردند. این اقدامات با هدف حفظ ایمنی عابران، روان سازی تردد شهری و جلوگیری از بروز حوادث احتمالی انجام گرفت.



پیاده روهای هموار برای «سرافرازان»

پروژه پیاده روسازی بولوار سرافرازان از تقاطع بولوار نماز تا انتهای بولوار سرافرازان با پیشرفت فیزیکی ۴۵ درصدی همراه بوده است. تا پیش از این، پیاده روهای بولوار سرافرازان در بخش هایی خاکی و در بخش هایی هم با پستی و بلندی هایی همراه بود که همین موضوع، مشکلات بسیاری برای اهالی به وجود آورده بود. از این رو پروژه بهسازی پیاده روهای بولوار سرافرازان با اعتباری بالغ بر ۱۱۱ میلیارد ریال و به همت اداره فنی و عمران کلید خورد. براساس برنامه زمان بندی، این پروژه تا پایان امسال به بهره برداری می رسد و در اختیار شهروندان قرار می گیرد.

شما می توانید اخبار کوچه و محله تان را به شماره ۰۹۳۸۵۹۶۴۰۸۵ در پیام رسان ایتا ارسال کنید.

۱۰



● اجرای سرود برای پاسداران محله

گروه سرود، نورآوا، که شامل دختران محله ایثارگران است، با توجه به شرایط اخیر جامعه، تصمیم گرفتند به منظور قدردانی از خادمان امنیت، نژادها برونند و با اجرای یک سرود حماسی، از نیروهای نظامی و انتظامی کشور قدردانی کنند. آن ها سپاه ناحیه یاسر را که در همسایگی خودشان در محله قرار دارد، انتخاب کردند و ضمن اجرای سرود، با تقدیم شاخه گل، قدردانی شان از این خدمتگزاران را اعلام کردند. این گروه سرود حدود بیست عضو دارد که همگی از ساکنان محله هستند و در مناسبت های مختلف، در مسجد الغدير و محله اجرا می کنند.



● تکاپوی بانوان در بوستان جدید منطقه ما

فهیمة شهری بوستان شهربانو در بولوار ادیب که به تازگی افتتاح شده، یکی از مکان های محبوب برای دورهمی های بانوان محله رازی شده است. آن ها بعد از حضور گسترده در مراسم افتتاحیه، پیشنهاد های مختلفی برای برگزاری برنامه و دورهمی و ورزش در این بوستان داشته اند. بانوان ورزشکار محله که با مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در ارتباط هستند، بنا دارند در بوستان شهربانوی ادیب، مسابقات ورزشی برگزار کنند. در همین راستا فعالان محله مشغول تدارک چندین برنامه دوستانه در این بوستان هستند.



● ازدواج ۲ جوان مسجدی

بسیاری از اهالی و نمازگزاران محله رازی از شنیدن یک خبر ازدواج شادمان شدند. فاطمه حسینی و محمد تیموری که هر دو از جوانان فعال در مسجد امام سجاد (ع) خیابان اندیشه ۱۹ هستند و از کودکی در همین محل و مسجد بزرگ شده اند، به تازگی با هم ازدواج کرده اند. فاطمه از فعالان فرهنگی محله و محمد، مربی قرآن مسجد است که با وساطت حجت الاسلام والمسلمین محمد امین مراد نژاد، امام جماعت مسجد امام سجاد (ع)، با هم ازدواج کردند. از آنجایی که این عروس و داماد را به دلیل فعالیت هایشان در مسجد و محله می شناسند، خبر ازدواجشان، شور و شغف زیادی بین اهالی ایجاد کرد.



● حضور بازنشسته ها در طرح «باسلام»

بازنشستگان بالای ۶۰ سال محله حجاب، در کانون سراج، جلسه طرح و برنامه ریزی داشتند. پیشنهاد این جلسه از حدود یک سال پیش مطرح و با پیگیری شورای اجتماعی محله حجاب به طور آزمایشی در این محله اجرا شد. در این جلسه، مسئولان مختلفی از استانداری، شهرداری، بهزیستی و... حضور داشتند و پیشنهاد ها و نیاز های سالمندان در زمینه های ورزشی، سلامتی، آموزشی، خدمات بهداشتی و... را شنیدند. در نهایت هم قرار شد با کمک ارگان های مختلف برای این نیاز ها و درخواست ها برنامه ریزی شود. جلسات طرح با سلام قرار است ادامه دار باشد و برای همه سالمندان در محلات مختلف اجرا شود.

لباس گرم بر تن گیاهان

هم زمان با کاهش دما و افزایش برودت هوا، گونه های گیاهی حساس به سرما در سطح معابر، میادین و بوستان های منطقه ۱۰ به منظور جلوگیری از یخ زدگی و خسارت به فضای سبز شهری، پلاستیک و نایلون کشی شد. درختچه های جوان، گل های فصلی و گیاهان بوته ای از جمله پوشش فضای سبز است که در برابر سرما نیاز به محافظت دارد.

آفت کشی فضای سبز بدون سموم

شهرداری منطقه ۱۰ از اجرای عملیات «یخ آب زمستانه» در فضای سبز این منطقه به منظور مقابله و مبارزه با آفات موجود در خاک خبر داد. در این روش از سموم شیمیایی مضر کمتر استفاده می شود و هزینه های نگهداری فضای سبز کاهش می یابد. این عملیات با توجه به کاهش قابل ملاحظه دما در شهر مشهد و رسیدن دما به زیر صفر در حال اجراست.

شهرداری پای کار آموزش مهارت زندگی

کارگاه آموزشی با موضوع «تربیت فرزند» در سالن اجتماعات شهرداری منطقه ۱۰ برگزار شد. آموزش ندان مهارت های لازم به بچه ها در محیط خانواده، کاهش روحیه مسئولیت پذیری در فرزندان و مشکلات متعدد تربیتی از دلایل برگزاری این دوره آموزشی بوده است.



۱۰

توان یابان مشهدی در رقابت گوی رانی جام شهربانو شرکت کردند

قهرمانان «همیاران صالحه»

ریاحی مسابقات گوی رانی ویژه توان یابان در چارچوب چهارمین دوره المپیاد ورزشی بانوان مشهد، جام شهربانو، به میزبانی شهرداری منطقه ۱۰ در مجموعه ورزشی صالحه برگزار شد. در این مسابقات عارفه فلکی، مهدیا ایزدیار و عارفه عظیمی، هر سه از مرکز همیاران صالحه به ترتیب رتبه های اول تا سوم را به دست آوردند. ایجاد آمادگی جسمی و روحی دانش آموزان، ارتقای سطح کمی و کیفی درس تربیت بدنی و استعدادیابی ورزشکاران برترین رشته ورزشی، از اهداف برگزاری این مسابقات بود.



یخچال نوو ذوق تازه عروس

همیشه وقتی با امثال عصمت خانم اشرفی روبه رومی شویم، می‌خواهیم داستان را از اولش بدانیم، اما این ساکن محله لادن سر حرف را از همین سال‌های اخیر باز می‌کند. یکی از اقوام همسر برادرش فوت کرده بود و می‌خواستند اسباب و اثاثیه متوفار را به خیریه بپسارند؛ از گاز و یخچال گرفته تا ماشین لباس شویی و فرش. او تعریف می‌کند: چون سال هاست در این کار فعالیت می‌کنم و خانواده‌های نیازمندی‌های شناسم، وقتی برادرم زنگ زد، قبول کردم وسایل را به حیاط خانه‌ام بیاورند. همان روزها هم زمان شد با فوت همسر و گفتیم فعلا دست نگه دارند.

مدتی می‌گذرد و بالاخره اسباب و اثاثیه را برای عصمت خانم می‌آورند تا آن‌ها را دسته‌بندی کنند و به خانواده‌های نیازمند برسانند. او ادامه می‌دهد: خدا خیر بدهد عروس‌هایم را که همیشه دست به کمک هستند. من و عروسم وسایل را کارت‌ن کردیم و هر وسیله‌ای را که مناسب جهیزیه بود، جدا می‌گذاشتیم و روی کارت‌ن‌ها می‌نوشتیم عروس. بقیه را هم برای نیازمندان کنار می‌گذاشتیم. بعد سراغ پایگاه بسیج مسجد ولی عصر (عج) در خیابان گلدیس رفتیم. آنجا در زمینه ازدواج آسان فعال است. گفتیم برای تعدادی عروس وسیله داریم، اگر خانواده‌ای هست، معرفی کنید. موضوع وقتی جالب می‌شود که حرف یخچال نو عصمت خانم هم به میان می‌آید. او تعریف می‌کند: قبل از همه این اتفاق‌ها، همسر برای یک یخچال فریزر خریده بود، ولی چون قد آن بلند بود و دستم به طبقه‌های بالایی‌اش نمی‌رسید، دلم با آن نبود. همان موقع به حسن آقا گفته بودم «اجازه می‌دهید این

یخچال را بدهم به یک عروس؟» او نه مخالفت کرد و نه موافقت؛ فقط گفت «هرکاری دوست داری بکن». گذشت تا اینکه وقتی می‌خواستیم وسایل آن متوفار را با توجه به نیاز خانواده‌ها توزیع کنیم، به یکی از همان‌ها زنگ زدیم. خانمی آمد و قرار بود وسایلی را که از قبل تعیین کرده بودیم ببرد، ولی وقتی چشمش به یخچال خودم افتاد، گفت جهیزیه دخترم یخچال ندارد. گفتیم این یخچال نواست، فقط جعبه ندارد. همان را دادیم و خادم مسجد هم با وانتش وسیله‌ها را به مقصد رساند. یک روز بعد، همان خانم به من زنگ زد. صدایش می‌لرزید. می‌گفت «یخچال را که گذاشته‌ام گوشه خانه؛ دخترم مدام دورش می‌چرخد و دعا می‌کند.» می‌گفت «تا آن روز دخترم را این قدر خوشحال ندیده بودم.»

۹

سمیرا شاهیان عروس بالبخندی خجالتی وارد خانه می‌شود. صدای دُف‌ها مجلس را پر می‌کند. خاله عصمت با خوشحالی، به عروس خانم خوشامد می‌گوید و او را بالای مجلس می‌نشانند. تاکنون صدای شیرین حدود پنجاه «بله» در سالن بزرگ خانه او بلند شده است؛ خانه‌ای که قصه زندگی بانوی آن از صدای یک چرخ خیاطی شروع شده و به سال‌ها خیرخواهی رسیده است. همین که میهمانان، مجلس عروسی را گرم‌تر می‌کنند، چشمان خاله عصمت به سویی‌راه می‌کشد. انگار بادی‌ن تور بلند و لباس سفید عروس، صدای چرخ خیاطی که سال‌ها پیش، حکم موسیقی روزهای جوانی‌اش بود، در سرنش پیچیده است. روزهایی که تور سفید و ساتن براق را زیر سوزن چرخ می‌برد و سه چهار لباس بلند و زیبا را آماده رفتن به خانه بخت می‌کرد. آن روزها شاید عصمت بانو فکرتش را هم نمی‌کرد که وقتی جوانی‌اش را برای یادگیری خیاطی، با دوختن لباس عروس می‌گذراند، در میان سالی‌اش میزبان مجالس عروسی باشد؛ آن هم نه یک مجلس و دو مجلس، که ده‌ها عروسی برای دختران جوان و نیازمند.

بانوی نیکوکار محله لادن
برای بسیاری از دختر خانم‌های دم‌بخت
پشت گرمی بوده است

تشریفات عروسی عصمت بانو



«پتو» پش بامن!

بعد از آن تازه عروس، در میان این رفت و آمدها، دختر دیگری هم به عصمت خانم معرفی شد؛ دختری که پدر و مادرش در زندان بودند و دستش خالی بود. قالی‌ها هم قسمت آن دختر شد.

خیرخواهی‌های خانم اشرفی از همان سال‌های اول متأهلی‌اش با دست خیری که داشت، مثل خیلی از خانم‌ها شروع شد. او تعریف می‌کند: در خانه قبلی‌مان یک اتاق کوچک بود که همیشه درش بسته می‌ماند. یک بار از سرکنجکاو در را باز کردم تا ببینم آنجا چه خبر است. چشمم افتاد به پتوهای نویی که روی هم افتاده بودند. با تعجب از همسر پرسیدم چرا این همه پتو خریده‌ای. خدا بی‌امرز، با آرامش به من گفت: «این‌ها را برای وقتی گرفته‌ام که نیستم. وقتی بچه‌های آیند پیشت تا تنها نباشی، پتو برای خواب داشته باشید.»

سال‌ها بعد عصمت خانم اسباب‌کشی می‌کند و به خانه فعلی می‌آیند. او می‌گوید: همین جایک کمد بزرگ دارم و همه پتو‌ها را داخلش گذاشتم. هنوز همسرم زنده بود که اولین پتو را بخشیدم. رفته بودم مولودی حوالی بولوار پیروزی. آنجا گفتند عروسی هست که پتو ندارد. من هم فوری گفتیم «پتویش بامن». خلاصه یکی یکی پتو‌ها رفتند؛ هر بار برای یک خانواده و یک عروس.

می‌خندد و بیان می‌کند: آن قدر گفتیم پتویش بامن، که یک روز دیدم خودم دیگر پتویی ندارم. وقتی ماجرا را برای همسرم تعریف کردم، با شوخی گفت «این هم نتیجه اینکه هر جارفتی گفتی پتویش بامن!»

خانه بزرگ در اختیار نوعروسان

وقتی قدم به این خانه می‌گذاریم، نخستین چیزی که چشمان را می‌گیرد، فضای دل‌باز آن است. سقف بلند، نشیمنی مفروش به فرش‌های فیروزه‌ای یک‌دست و مبلمانی هماهنگ با این فضا و در عین حال ساده و بی‌آلایش، همه این بزرگی و امکانات، در اختیار نوعروسانی است که اینجا می‌شود تالار عروسی شان و دعوت شده‌ها هم همراهان خاله عصمت، دوستان و آشنایان اویند. می‌گویند اشیای هم می‌توانند حس مثبت یا منفی ساطع کنند. به خاطر خبرخواهی‌های خاله عصمت، فضای اینجا حس مثبتی دارد. انگار از دیوارهایش بوی مهربانی و نیکوکاری می‌بارد. زیرمیز بزرگ مبلمان خاله عصمت یک شل کنسرو و



ترشی است. می‌گویند این را آورده‌اند اینجا که به قیمت مناسب ترین خانم‌هایی که روضه و عروسی می‌آیند، بفروشیم. از هر گوشه این خانه، موضوع یک کار خیر و نیک مطرح می‌شود. خانم اشرفی بایان اینکه شب‌های قدر هم در این خانه مراسم احیا برگزار می‌شود، ادامه می‌دهد: به خواست اهالی و خانم‌هایی که از سال‌ها قبل یکدیگر را می‌شناسیم، اینجا مراسم شب‌های قدر برگزار می‌کنیم. ولی فقط روضه و دعا نیست؛ از سال ۹۷ که به اینجا آمدیم، بیش از پنجاه عروسی برای دختران نیازمند برگزار کرده‌ایم. خانم اشرفی از گوشه‌ای یک فیلم نشانمان می‌دهد: همین طور که عروسی‌رامی بینیم، او هم توضیح می‌دهد: برای این مراسم یک گروه دف‌نوازی داریم که رایگان اجرامی‌کنند. بابک آرایشگاه هم صحبت کرده‌ایم

و دختر خانم‌ها را رایگان آماده مراسم عروسی می‌کنند. به غیر از آن، همه خانم‌هایی که تشریف می‌آورند، هدیه و کادو می‌آورند. خاله عصمت ما را به اتاقش می‌برد. پشت چرخ خیاطی قدیمی‌اش می‌نشیند. از رفاقت او با این چرخ حدودا پنجاه سالی می‌گذرد؛ وقتی دختر جوان و مجردی بود که آموزش خیاطی را به پایان رسانده بود و مادرش یکی از چرخ‌های مربی‌اش را برای او به هفتصد تومان خرید. همین طور که گوشه‌ای از تور سفید را زیر سوزن می‌نشانند، می‌گوید: یک بار تعداد زیادی لباس عروس آوردند که من آن‌ها را به کسانی که لازم دارند، برسانم. به پیشنهاد عروسم، یکی دو تا را نگه داشتیم برای همین مراسم عروسی. سطح این لباس‌ها آن قدر بالا بود که حتی بعضی از آشنایان در مراسمشان از آن‌ها استفاده کردند.

قصه‌های زیرزمین

عصمت خانم اشرفی همیشه سعی کرده است در زندگی روزمره خود و همسرش، مرحوم محمد حسن غیرتی که جانباز چهل درصد بود، حواسش به نیازمندان هم باشد. حتی پیش از شیوع ویروس کوید ۱۹، او مبلغی از حقوق شخصی‌شان را جدا می‌کرد و بسته‌های معیشتی شامل مواد غذایی و ملزومات بهداشتی برای خانواده‌های کم‌درآمد تهیه می‌کرد.

او می‌گوید: من از همان اول خانه‌داری ام جلسه قرآن برگزار می‌کردم. مشکلات نیازمندان گوش به گوش، به من می‌رسید. یکی می‌گفت مثلاً دختر من عقد کرده و وسیله ندارد. بالاخره کار را شروع کردم. افراد با تلفن به من اطلاع می‌دادند. درواقع ما خانواده‌ای بودیم که چون رفاهی نسبی داشتیم و شرایطمان متعادل تر بود، نسبت به اطرافیان بی تفاوت نبودیم. در همین خانه جدید هم فقط عروسی برگزار نمی‌شود. اینجا بسته معیشتی تدارک



انگشت نجات بخش

عصمت خانم اشرفی، از همسرش، مرحوم غیرتی که سرآشپز بیمارستان آریا بوده است، این طور می‌گوید: بیمارستان آریا به «یغمائی‌ها» معروف بود. شوهرم در سال‌های جنگ، چند بار درخواست کرده بود به جبهه برود، ولی موافقت نشد. بالاخره تصمیم گرفت بدون حقوق برود. سال ۶۵، پسر بزرگم دوسه ماهه بود که از طریق بسیج رفت. اشرفی از شرایط دشواری می‌گوید که همسرش تعریف می‌کرده است: «می‌گفت با اسب و الاغ، مهمات می‌بردند. بار آخر که اعزام شد، یک تسبیح همراه داشت. یکی از رزمندگان به او می‌گوید این تسبیح را به من یادگاری بده. اصرار داشته تسبیح را بگیرد و به جایش انگشترش را بدهد. توجیهش هم این بوده که بالاخره یکی‌شان شهید می‌شوند و باید از هم یادگاری داشته باشند.»

عصمت خانم به تصویر بزرگ همسرش که روی یک بنر چاپ شده است، نگاه می‌کند و ادامه می‌دهد: اتفاقاً انگشتر قطوری هم بود. شوهرم می‌گفت موقعی که عملیات شروع شد، عراقی‌ها به طرف او خمپاره‌ای می‌زنند که ترکشش به رکاب سنگین همان انگشتر برخورد می‌کند. به خاطر همان انگشتر، فقط بخشی از انگشترش قطع شد و آسیب دیگری ندید. حسن آقا تعریف می‌کرد اگر آن انگشتر نبود، ترکش به قلبش اصابت می‌کرد. بعد می‌گفت در برگشت همان رزمنده‌ای را که تسبیح از او گرفته بود، دید که شهید شده بود.

حالا نوه‌های عصمت خانم که پای حرف‌های او نشسته‌اند، خاطراتشان را مرور می‌کنند. بنیامین و آیتا می‌گویند «بابایی می‌گفت انگشترش را گربه خورده!»



دستگیری عادت‌های قدیمی

در اتاق کوچک خانه، خاله عصمت کنار پنجره بزرگی نشسته است که نور خورشید را به آرامی به درون می‌تاباند. گوشی تلفن را در دست گرفته است و یکی یکی با دوستان و آشنایانش تماس می‌گیرد. این عادت قدیمی او است: درست از همان جوانی که دلش برای کمک به هم نوع می‌تپید و همیشه در صدد جمع کردن کمک مالی برای نیازمندان بود. هر ماه و سال، این خانه تبدیل به سالنی برای برگزاری جشن عروسی می‌شود؛ بستگی به این دارد دختر دم‌بختی باشد یا نه. البته دم‌بخت که زیاد است، ولی به موضوعات زیادی بستگی دارد؛ مثلاً عروس، این مراسم را بخواهد، جهیزیه و اسباب و اثاثیه ضروری‌اش فراهم شده باشد و چیزهای دیگر. تصویر فیلم کوتاهی که خاله عصمت نشانمان داد، در ذهنم یادآوری می‌شود. عروس خانم آرایش شده و لباس پوشیده، بالای مجلس نشسته است. مهمانان هم فضای خانه را پر کرده‌اند. گروه دف‌نوازان می‌نوازند. عروس خاله عصمت، پذیرایی می‌کند و همه مهمانان تمام عیار آمده‌اند. با هدیه و خوشحالی، قبل از شروع مراسم، هدیه‌ها را تفکیک کرده‌اند. گل درشت‌ها را روی میز کنار در ورودی و سایر کادوها در گوشه‌ای دیگر. در پایان مراسم نیز هدایا تحویل عروس خانم می‌شود.





راه تجربه

دارنده مقام آسیا در رشته بسکتبال معلولان، حالا الگوی بسیاری از توان یابان شده است

سرم شکست اما شدم «فؤاد بسکتبالی»



فهمیده شهریادر یک روز معمولی، جرقه ورزشکار شدن

فؤاد زده شد. مربی اش او را صدا زد و گفت وضعیت جسمانی اش برای این رشته مناسب است. مربی از فؤاد مظفری افخم خواست به سالن بیاید و حداقل برای یک مدت کوتاه، این رشته را امتحان کند. فردای آن روز فؤاد برای اولین بار یاد سالن بسکتبال گذاشت و روی ویلچر آن نشست. وقتی خواست دور بزند، زمین خورد و سرش شکست. با وجود این او به بسکتبال علاقه مند شده بود. حالا سه سال از آن زمان می گذرد و این دانش آموز محله رازی چندین مقام کشوری در این رشته کسب کرده است. فؤاد امسال مقام سوم آسیا در رشته بسکتبال روی ویلچر معلولان رانیز به دست آورده است. او که از بدو تولد روی ویلچر نشسته و از نوزادی در بهزیستی بزرگ شده است، در پایه دوازدهم رشته انسانی در مدرسه شهید رنگز قاسم آباد درس می خواند.

ورزش من را به مردم پیوند زد

وقتی از فؤاد درباره اولین تجربه حضورش در کشوری دیگر می پرسیم، بعد از چند ثانیه تأمل با خنده می گوید: این قدر استرس مسابقات را داشتم و تمام ذهنم متمرکز آن بود که به چیز دیگری توجه نکردم. این قهرمان تعریف می کند: وقتی در تایلند مدال برنز و سوم آسیا را گرفتیم از خوشحالی داشتم گریه می کردم. خاطرات او را کمی به عقب می برند و تعریف می کند: اوایل برای مسابقات، مربی ام همراهم می آمد اما بعد از دوسه بار، بلیت برایم گرفت و گفت دیگر باید خودت بروی.

فؤاد ادامه می دهد: من اهل صحبت با مردم جامعه نبودم اما وقتی تنهایی از شهری به شهر دیگری می رفتم، به ناچار خیلی وقت ها باید با دیگران هم صحبت می شدم و حتی زمان هایی برای جابه جایی چمدان یا ویلچرم از آن ها تقاضای کمک می کردم. فؤاد تأکید می کند: این تعاملات اجتماعی برای من خیلی خیلی خوب بود. به واسطه ورزش توانستم با جامعه و مردمش ارتباط برقرار کنم.

موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد

برعکس اینکه او ذهنیت خاصی از تایلند ندارد، خاطرات شیرینی از هنگام بازگشت به ایران برایش رقم خورده است که این گونه تعریف می کند: وقتی برگشتیم، در فرودگاه خیلی ها به استقبال آمده بودند. انتظارش را نداشتم. در بینشان مسئولان

مؤسسه توان بخشی فیاض بخش و خیران هم حضور داشتند. از دیدنشان خیلی خوشحال شدم. برایم حکم پدر و مادر را داشتند. آن ها پشتم بودند که توانستم پیشرفت کنم و خدا را شاکرم که سربلند و با مدال برگشتم.

این مقام های فؤاد فراتر از یک مقام ورزشی، مثل یک بمب انرژی باعث انگیزه بخشی در هم نوانش شده است. او مدام به دیگر معلولان می گوید: «خواستن، توانستن است»، «معلولیت، محدودیت است اما مانع پیشرفت نیست».

به نظر فؤاد موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد. کسانی به آن دست می یابند که در برابر سختی ها کم نیاورند و از تلاش خسته نشوند.

بهترین خودش است

غلامرضا نامی، مربی فؤاد، می گوید: او اولین فرد از فیاض بخش است که توانسته است مقام آسیایی به دست آورد و این موضوع این قدر به دیگر معلولان انگیزه داده که چندین نفر بعد از او به سمت ورزش آمده اند. نامی از فؤاد به عنوان ورزشکاری آرام، کم صحبت و دارای تلاش و پشتکار یاد می کند و می گوید: برخلاف عده ای از معلولان، فؤاد اهل غرزدن نیست. نمی گوید چرا من روی ویلچر هستم. چرا خانواده ام سراغم را نمی گیرند و... همین شرایطی را که دارد پذیرفته و سعی می کند بهترین خودش باشد. خدا را شکر با همین روحیه توانست به جایی برسد که خیلی ها حتی با وضعیت جسمی بهتر نمی توانند به آن دست یابند.

حتی نمی دانستم بسکتبال چیست

زندگی با ویلچر این قدر فؤاد را از ورزش دور کرده بود که حتی نمی دانست بسکتبال چیست. او تعریف می کند: سه سال پیش که خیلی اتفاقی در فیاض بخش واز کنار مربی ام غلامرضا نامی رد می شدم، او از من خواست به سالن بروم و تست بسکتبال بدهم. تا آن روز اصلاً نمی دانستم بسکتبال چه رشته ای است و چه کاری باید انجام دهم. او ادامه می دهد: وقتی روی ویلچر بسکتبال نشستم، ترسیده بودم. با ویلچر خودم فرق داشتم و نمی توانستم درست با آن حرکت کنم. مربی چند مانع گذاشت تا از آن ها عبور کنم اما همین که خواستم دور بزنم، زمین خوردم و سرم شکست. با این حال فؤاد تصمیم گرفت تسلیم نشود. او نمی خواست گوشه گیر باشد و با یک صدمه عقب بکشد. این اتفاق او را مصمم تر کرد تا بیشتر تمرین کند و این قدر اراده و پشتکار به خرج داد که به قول خودش و دوستانش شد «فؤاد بسکتبالی» و بعد از دوماه تمرین، به مسابقات رفت.

بی تجربه بودم و تشنه پیشرفت!

تعریف می کند: سال ۱۴۰۰ مسابقات ملی لیگ دسته یک بود. ما بی تجربه بودیم و اعضای تیم حریفان با تجربه بودند؛ با این حال توانستیم مقام سوم را به دست آوریم. در این مسابقات، مقام اول جوان ترین بازیکنان با تجربه خیلی برایم شد. او می گوید: حضور در کنار بازیکنان با تجربه خیلی برایم سخت و استرس آور بود اما وقتی این عنوان را به من دادند، بسیار خوشحال شدم و انگیزه بیشتری برای ادامه راه پیدا کردم. این بسکتبالیست سال ۱۴۰۲ وارد اردوی تیم ملی می شود. او استرس هایش را به یاد می آورد و می گوید: مسابقات همیشه من را مضطرب می کرد. سنم کم بود و بی تجربه و در عین حال تشنه پیشرفت. تیم ملی هم شوخی بردار نیست. کم بیابوری می بازی. خیلی ها آنجا حذف شدند اما خدا را شکر من با کمک مربی ام در تیم ملی ماندم و اردوهای بعدی و بعدی را به طور مداوم حضور داشتم. او چنان در این اردوها و مسابقات خوش درخشید که سال ۱۴۰۳ اسمش در فهرست ورزشکاران اعزامی به مسابقات آسیا در تایلند درآمد.





کوثر قرایی، ملی پوش دوومیدانی، به تازگی ۲ مدال ارزشمند در مسابقات پارامچ اندازی کسب کرده است

طلای آسیا هدیه به مادرم

۹



دیدار آشنا

قهرمان می گوید: روز مسابقه، روز مادر هم بود. با همه بچه های تیم متوسل شدیم به حضرت فاطمه (س) که نتیجه زحماتمان را بگیریم. خدا را شکر هم انفرادی و هم تیمی نتیجه خوبی گرفتیم. این مدال، بهترین هدیه من برای روز مادر بود. کوثر به سادگی ورزشکار نشده است. نابینایی او یک بیماری ژنتیکی است که به دلیل ازدواج فامیلی اتفاق افتاده است. بینایی او خیلی سریع از دست رفت، به طوری که پزشکان راه درمانی برایش متصور نبودند.

● آماده شدن برای «ناگویا»

او همچنان ملی پوش پارادوومیدانی است و رشته اصلی اش را پرتاب دیسک می داند. این روزها در اردوهای غیرمتمرکز تیم ملی حضور دارد و خود را برای بازی های پاراآسیایی ناگویا که مهرماه سال آینده برگزار می شود، آماده می کند.

در کارنامه ورزشی این دختر قهرمان، مدال های کشوری زیادی است. از مدال برنز دو ۴۰۰ متر قهرمانی کشور در سال ۱۴۰۱، تا مدال طلای کم بینا یانان و نابینایان بزرگ سالان قهرمانی کشور در ماده پرتاب دیسک سال ۱۴۰۳. در عرصه بین المللی هم سال گذشته مدال نقره مسابقات جایزه بزرگ فزاع در امارات را به دست آورده بود و حالا با دو طلای آسیا، جایگاهش را تثبیت کرده است.

او درباره هزینه هایی که اغلب بردوش خود ورزشکاران است، می گوید: بخش زیادی از هزینه های تمرین و تجهیزات را خودمان پرداخت می کنیم. اگر مسئولان بیشتر حمایت کنند، بیشتر می توانیم برای افتخار آفرینی تلاش کنیم.

به گفته این ورزشکار، رقبا از قدرت های جدی جهان بودند که درباره شان توضیح می دهد: قزاقستان و ازبکستان در مچ اندازی نابینایان جزو قهرمانان جهان هستند و رقابت با آن ها کار ساده ای نبود. برای همین سطح مسابقات واقعا بالا بود.

با وجود سطح بالای مسابقات، نتیجه فراتر از انتظار رقم خورد. کوثر توانست هم در دست چپ و هم در دست راست، مدال طلا را از آن خود کند؛ در کنار این موفقیت انفرادی، تیم نابینایان ایران هم عنوان قهرمانی آسیا را به دست آورد. تیمی ده نفره شامل شش ورزشکار پسر و چهار ورزشکار دختر.

● هدیه ارزشمند برای مادرم

برای کوثر، این قهرمانی فقط یک دستاورد ورزشی نیست، بلکه هدیه ای ارزشمند برای تلاش ها و زحمات مادرش است. این دختر



شاهیان ایبستم آذر امسال، روی سکوی قهرمانی جوانان پاراآسیایی در امارات، نام ایران دوبار خوانده شد: یک بار برای دست چپ و بار دیگر برای دست راست کوثر قرایی. ورزشکار محله کوثر، هر دو مدال طلا، به نام دختر نابینایی ثبت شد که به جای ضعف و ناتوانی، پیش تر توانایی و قهرمانی از خود بروز داده بود. قرار است با این ملی پوش پارادوومیدانی ایران به مناسبت موفقیت تازه اش گفت و گو کنیم.

گفت و گوی مفصل شهرآرامحله با کوثر قرایی، هجدهم تیر امسال منتشر شد. زمانی که کوثر عنوان قهرمانی مسابقات بزرگ سالان نابینایان و کم بینایان کشور و مدال نقره مسابقات بین المللی جایزه بزرگ فزاع در امارات متحده عربی را در رشته پرتاب دیسک معلولان به دست آورده بود.

● ۲ طلا و قهرمانی آسیا

حضور کوثر در مسابقات مچ اندازی جوانان پاراآسیایی امارات (دبی)، بیشتر به دلیل فیزیک بدنی اش و شباهت این رشته به دوومیدانی است. رشته اصلی این ورزشکار، دوومیدانی است که در ماده ۴۰۰ متر، فعالیت حرفه ای داشته و در کنارش پرتاب دیسک، حالا هم تجربه موفق پارامچ اندازی نابینایان را پشت سر گذاشته که پایانی طلایی برای او داشته است. کوثر درباره مسابقات جوانان پاراآسیایی که در امارات برگزار شد، می گوید: رشته ما پارامچ اندازی نابینایان بود و من در وزن مثبت ۶۰ کیلوگرم شرکت کردم. در این وزن، پنج رقیب از قزاقستان و ازبکستان داشتم.

نماینده مشهد در نشست با اهالی محله اقبال
برای رسیدن به ثبات اقتصادی اظهار امیدواری کرد

گذر از التهابات بازار

۹



عیدگاه

در راهپیمایی ۲۹ دی ماه معادلات دشمن را برهم ریخت و باعث شد حمله نظامی ای را که در حال برنامه ریزی آن بودند، رها کنند.

● مقابله به سوءاستفاده وانت خواران

در ادامه، این نماینده مجلس به سوالات و نامه های مردم پاسخ داد. یکی از موضوعاتی که چندین بار و به اشکال مختلف مطرح شد، فشارهای اقتصادی بود که اخلاقی درباره اش این طور توضیح داد: متأسفانه ارزهای دولتی داشت مورد سوء استفاده وانت خواران قرار می گرفت؛ بنابراین حذف آن تصمیم درستی بود اما می توانست در زمان دیگری اجرا شود.

اواظهار امیدواری کرد که سال آینده، وضعیت اقتصادی به ثبات بهتری برسد و گفت: در شرایط فعلی، بازار ملتهب است اما از مردم می خواهم این یکی دو ماه آخر سال را صبوری کنند؛ زیرا رسیدن به ثبات اقتصادی مستلزم گذر از این التهابات است و امیدواریم سال آینده ثبات خیلی بهتری داشته باشیم.

تقویت توان دفاعی یکی از دیگر دغدغه هایی بود که توسط مردم مطرح شد و این نماینده مجلس درباره اش گفت: بردموشکی ما افزایش پیدا کرده است. همچنین دانشمندانمان در مهندسی معکوس بسیار قوی هستند و بعد از جنگ دوازده روزه پیشرفت خوبی داشته ایم. او با اشاره به اهمیت همکاری با دولت پزشکین افزود: در جلسه ای که با رهبر معظم انقلاب داشتیم، ایشان فرمودند موفقیت آقای

فهمیه شهری امسجد الاقصی در محله اقبال به تازگی میزبان حجت الاسلام والمسلمین حسنعلی اخلاقی امیری، نماینده مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، بود. بعضی ها گمان می کردند که بعد از حوادث اخیر، از چنین نشست هایی شاید چندان استقبال نشود اما نه تنها این طور نشد، بلکه افراد مختلف اعم از زن و مرد و پیر و جوان، خودشان را به مسجد رسانده بودند تا پای صحبت های نماینده مردم مشهد بنشینند. حذف ارز ترجیحی و اعتراضات کسبه، مقابله با رانت، کمک به دولت در پیشبرد اهداف و حفظ انسجام از جمله موضوعاتی بود که در نشست پنجشنبه شب گذشته و بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء مطرح شد.

● اعتراضات حق مردم بود

در ابتدای نشست، حجت الاسلام اخلاقی امیری به بیان توضیحاتی درباره شرایط فعلی کشور و منطقه پرداخت. به گفته او بعد از جنگ دوازده روزه، اتحاد و انسجام مردم بیشتر و ایران هسته ای تبدیل به یک ابهام هسته ای برای دشمنان شده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی، در ادامه، از شوک حاصل از حذف ارز ترجیحی و شروع اعتراضات بازار صحبت کرد و گفت: اعتراضات حق مردم بود اما دشمنان خواستند از این وضعیت سوء استفاده کنند و با وارد کردن نیروهای اغتشاشگر در سطح کشور، صدمات جانی و مالی سنگینی بر مردم و دولت وارد کردند. به گفته او حضور باشکوه مردم

پزشکیان موفقیت جمهوری اسلامی است و به ماتوصیه کردند که با این دولت همکاری کنیم.

● نگاه منطقی به مسائل جامعه

در ادامه بین مردم رفتیم تا با شرکت کنندگان در جلسه گفت و گو کنیم. مجتبی شافعی که جوانی چهل ساله است، گفت: من شغل آزاد دارم و نوسان قیمت هادر این مدت، فشارهای مالی زیادی برایم به دنبال داشته است. اما با توضیحات آقای اخلاقی قانع شدم و به خاطر کشور عزیزمان باز هم این مشکلات را تحمل می کنیم.

غلامرضا شکوری که به اتفاق همسرش در جلسه حضور داشت، ادامه داد: چنین جلساتی، دیدگاه مردم را درباره مسائل روز با تر می کند و باعث می شود نگاه منطقی تری به مسائل جامعه داشته باشند. مریم نوبختی که بایک نوزاد در آغوش، در جلسه حضور داشت، برگزاری این نشست ها را ضروری دانست و گفت: دولت مردان باید تا جایی که می توانند به وعده های خودشان عمل کنند و هر جایی امر محقق نشد، علت آن را صادقانه در همین نشست های مردمی یا از طریق رسانه ها اعلام کنند تا اعتماد مردم خدشه دار نشود.



ساخت بنای مسجد و حسینیه «غدیر بابا علی ۷»
امسال در معبر ابرار ۵ به پایان رسید و این مسجد بزرگ
در اختیار اهالی قرار گرفت. حسینیه، کلاس‌های آموزشی،
پایگاه بسیج خواهران و برادران و شورای حل اختلاف
از بخش‌های مختلف این مسجد است.



حسینیه قمر بنی هاشم (ع) در معبر فرعی
ابرار ۸، قرار دارد. این حسینیه از سال ۷۵ به
یاد مرحوم مهدی رجب‌نژاد در این معبر بنا
شده است و در آن مراسم مذهبی مانند اعیاد
شعبانیه، عزاداری محرم و صفر و ماه رمضان
برگزار می‌شود.

ابرار ۵ بازنگ مدارس بیدار می‌شود

رضاریاحی ا کوچه ابرار ۵ در محله رسالت تا اوایل دهه ۶۰ جزو محدوده شهری نبود و کم‌کم وارد
بافت شهری شده است. استقرار مسجد و دو حسینیه و چندین مدرسه، جریان زندگی روزمره را
در این کوچه پرتکاپو کرده است؛ صبح‌ها با صدای زنگ مدرسه آغاز می‌شود و عصرها با حضور
نمازگزاران و ساکنان در مسجد، خاطرات جمعی و باهم بودن اهالی شکل می‌گیرد.

کوچه ابرار ۵
محله رسالت



دبیرستان دخترانه دوره اول عطیه سال ۱۳۷۰
بنا شد و از قدیمی‌ترین دبیرستان‌های محله
رسالت به شمار می‌آید.



دبستان دوره اول و دوم دخترانه پروین
اعتصامی سال ۱۳۶۹ در این معبر احداث شد و
در هر شیفت تحصیلی پانصد دانش‌آموز تحصیل
می‌کنند.

غلامرضا دباغیان، از کاسب‌های قدیمی و
خوش‌نام محله، ۷۲ سال دارد. آقا غلامرضا از
سال ۱۳۶۵ در این معبر سکونت دارد و خودش
می‌گوید شصت سال می‌شود که پیشه‌اش،
آرایشگری است.